



فستیوال داد و فریاد یا جُمُجات اول و آخر؟؟؟

چه خوب شد، که زنده بودیم و صحرای محشر را دیدیم. در تهران ماجرای صحرای محشر برپاست و عاشورای حسینی؛ یا هردو توأمان و یا بالاتر از هردو و بالاتر از هر همه و دغدغه دگری، که تأریخ بشر به خود دیده است. تمام ایران در تهران ریخته است و کسی نیست، که به کار دیگری بیندیشد، جز به "جزع و فزع" و "ناله و زاری" و "گریبان دریدن"؛ و دود زمین است، که برخاسته تا ستارگان آسمان را تاریک بگرداند. امروز جنازه "آیت الله خامنه ئی" را - که "شهید ایران" نام گرفته است - به دوش میکشند تا در سینه خاک بسپارند. تابوت بزرگ و ساده و پیاده و پوشیده با "بیرق جمهوری اسلامی ایران"، روی شانه ها میرقصند و دستار سیاه "سید علی خامنه ئی" بر بالای آن نصب گشته است. از چندین روز بدین سو اجساد را جهت ادای احترام در محل مجلی گذاشتند و خلائق از شرق و غرب و از جابلقا تا جابلسای عالم همه جمع شدند، تا آخرین احترام خود را به پیکر "رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران" بگذارند. تمام عالم جمع شده است، به جز ممالک اروپای غربی و اضلاع متحده آمریکا و رژیم مورد حمایت ایشان در تل ابیت. هیئتهای عالیرتبه از ممالک دور و نزدیک حضور به هم رسانیدند، تا آخرین احترام خود را به شهداء و رژیم اسلامی نشان بدهند؛ از روسیه و چین گرفته تا افغانستان و پاکستان و عراق و کجا و کجا. درین میان مگر بعض مهمانان خود را مهربانتر از میزبان نشان دادند. "شهباز شریف" و "فیلد مارشال عاصم مُنیر"، که در رأس هیئت پاکستانی حضور یافته بودند، خود را دایه مهربانتر از مادر ساختند؛ به بغل کشی و روبوسی مزورانه پرداختند؛ و زعیم فریکار پاکستان قبلاً به امرای ایران گفته بود:

«غم شما غم ماست!!!»

چاپلوسی و به اصطلاح شیرین زنان قدیم و محتشم کابلی، "مامه زالی" هم از خود حد و اندازه دارد!!! و دیدیم، که: هیئت طالبان به رهبری "ملا عبدالغنی برادر"، حد اعتدال را برگزید و با سنگینی خاص افغانی به زعمای باقیمانده "جمهوری اسلامی ایران" تسلیت گفت.

در بُحیوحه حملات آمریکا و اسرائیل و درست در وقتی، که تمام اهداف آمریکا برآورده شده بود، دلقکی را از چانته استعمار کهن برون آوردند و وی را به حیث میانجی "امریکا - ایران" قلمداد فرمودند. رژیم ناپاک پاکستان، که در شیطننت و فتنه انگیزی سر شیطان را هم خاریده است، به میدان آمد و با هزاران نمایش و ساخته کاری تفاهمنامه بین آمریکا و ایران را سر به راه ساخت. درین میانه مگر رول دوگانه رژیم فاسد و سر تا پا نیرنگ "پاکستان چتل سنگه" از همان اول نمایان بود، که هم به نعل میزد و هم به میخ؛ مگر.

مگر آگاهان نیک میدانند، که این دلقک خانه‌زاد و نوکر زرخزید امریکا و انگریز، فقط و فقط آرزوهای بادر خود را برآورده میسازد؛ و زهی ساده لوحی، که زمامداران ایران فکر کرده اند، که "پاکستان" برادر ایران است و بلکه بالاتر از برادر؛ و باش تا رول اصلی پاکستان هویدا گردد:

باش تا خیمه زند دولت نیسان و ایار!!!

به تاریخ ۲۸ فبروری بر اثر حملات هوایی مشترک و بی اندازه ثقیل و با پرتاب بمهای سنگرشکن امریکا/اسرائیل بر مرکز تهران، "آیت الله خامنه ئی" با چند عضو فامیلش به قتل رسیدند.

به قرار مرسوم و آداب مسلمانی باید جنازه ها را هرچه زودتر به خاک میسپردند؛ مگر رژیم ایران این کار را نکرد، چون پلان عریض و طویلی را در سر داشت، تا با آمادگی تمام و با نمایش و سناریوی پرصلابتی، انتقام کوتاهی و نارسائی خود را از دشمن متجاوز بگیرد.

این نمایش قدرت و این سناریوی ساختگی و قسماً خداداد، که ظاهراً باید قدرت و اُبّهت رژیم را نشان میداد، در بطن خود نمایندگی از شکست مفتضحانه رژیم ایران میکند، که نتوانست "رهبر معظم انقلاب اسلامی" خود را در برابر حملات هوایی امریکا/اسرائیل حفاظت کند!!!

در ملک ما مثلی زبانزد عام و خاص مردم گشته است، که:

«اولین لوپ سپاهیگری گریز اس!!!»

"سیاست" هم عجب کارها دارد، که لوپ اولش دروغ است و فریب!!!

(خلیل الله معروفی - جرمنی - نهم جولای ۲۰۲۶)